

فهرست

پیشگفتار ۷

کتاب اول: تبهکاری

۱۳

| | |
|-----------------|-----|
| اتیوپیایی | ۱۵ |
| فینر | ۳۳ |
| خارپُشت | ۴۵ |
| دفاع از جان خود | ۵۹ |
| سبز | ۷۵ |
| خار | ۹۳ |
| عشق | ۱۰۷ |

کتاب دوم: جرم

۱۱۵

| | |
|----------|-----|
| اسرار | ۱۱۷ |
| خانواده | ۱۲۱ |
| بچه‌ها | ۱۲۷ |
| آناتومی | ۱۳۵ |
| میل | ۱۳۹ |
| برف | ۱۴۳ |
| کلید | ۱۵۳ |
| دادگستری | ۱۷۳ |
| تاوان | ۱۷۷ |

پیشگفتار

در میان فلاسفه‌ی مدرن فیلسوف آلمانی آرتور شوپنهاور نخستین کسی بود که به بشر به عنوان موجودی شر، خبیث و مملو از ویژگی‌های منفی می‌نگریست. در کتاب غیرفلسفی او «در باب حکمت زندگی»، ترجمه‌ی محمد مبشری (انتشارات نیلوفر)، اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی او که ملزوم آن آموزه‌های فلسفی است، آشکار می‌شود. در این کتاب با فیلسوفی نژادپرست، ضدزن و دشمن سرسخت لایه‌های زیرین جامعه، و در برابر آن، جانبدار اشرافیت روبرو می‌شویم. در رساله‌ی «درباره‌ی زنان» (Über die Wieber) که به فارسی ترجمه نشده است عناصر پیشگفته در اندیشه‌های او - به‌ویژه درباره‌ی زنان - پُررنگ‌تر می‌شود. شوپنهاور از پیش‌کسوتان فلسفه‌ی وجودی است. نیچه فیلسوف جوان‌ترِ سده‌ی نوزدهم در کتاب «تبارشناسی اخلاق»، ترجمه‌ی داریوش آشوری، به صراحت می‌گوید: شوپنهاور آن‌چه را که خود بود به بشر نسبت می‌داد.

ضمیر ناخودآگاه فروید هم جهنمی است آکنده از منفی‌ترین خواست‌ها و غرایز بشری. از این دیدگاه گرایشِ دل‌آدمی به‌طورکلی - مانند آن‌چه از فلسفه‌ی شوپنهاور نتیجه می‌شود - جز به‌سوی شر نیست. گوستاو یونگ سوئیسی، شاگرد بلافصل فروید، که تا زمان حیات استادش به دلیل آوازه‌ی استاد و به دلیل خلق و خوی فروید، دلیری ایستادن در برابر او را نداشت، پس از مرگ فروید کشف خود در زمینه‌ی روانکاوی را منتشر کرد و در برابر ناخودآگاهِ فردی فروید ناخودآگاه جمعی را قرار داد. مُهمَل بودن آن جهنم توسط ارایش فروم هم در

کتاب «دل آدمی و گرایش اش به خیر و شر» که به فارسی ترجمه شده است، ثابت شد. فروم براین باور بود که دل آدمی سالم در مجموع نه گرایش به خیر دارد نه به شر، بلکه به سویی گرایش می‌یابد که او را به آن سو می‌کشند.

فردیناند فن شیراخ (Ferdinand von Schirach) هم‌اندیش شوپنهاور و فروید نیست اما آن‌گونه که از مصاحبه‌ها و مقالات اش برمی‌آید چندان هم به بشر خوش‌بین نیست. می‌گوید هرکس در شرایطی قرار بگیرد که موکلین او قرار داشتند، دست به همان کارهایی می‌زند که موکل‌های اش زده‌اند. این‌جا پرسش‌هایی پیش می‌آید که پاسخ‌شان با آن آسان‌نگری و گفته‌های غیرمُنَجَز آسان نمی‌نماید: آیا اگر مادرُ تِرزا، آلبرت شوایتزر یا انسان‌هایی مانند آن‌ها در همان شرایط موکل‌های او قرار می‌گرفتند دست به سرقت بانک می‌زدند، آدم می‌کشتند، مواد مخدر قاچاق می‌کردند...؟ آیا در کشورهایی که توسط دیکتاتورها اداره می‌شود و در آن‌ها همه‌ی مبارزین در شرایط یکسانی به سر می‌برند، شماری تا پای جان نمی‌ایستند و شماری در همان ابتدای گرفتاری خود رانمی‌بازند؟

اما در پسِ پشتِ اندیشه‌های نویسنده هر قطعیتی وجود داشته باشد، آثار داستانی او از پراقبال‌ترین داستان‌های سده‌ی بیست‌ویکم در بیش از ۴۰ کشور است. ما در تاریخ ادبیات جهان بالزاک را هم داریم که با وجود باورهای به‌روز نشده‌اش در حوزه‌ی سیاست و مذهب، از چنان صداقت رئالیستی برخوردار بود که در رمان‌های مجموعه‌ی «کمدی-انسانی» او اندیشه‌های عقب‌افتاده‌اش یا رخصت ظهور نمی‌یافت یا بسیار کم‌رنگ رخ می‌نمود.

فردیناند فن شیراخ سال ۱۹۶۴ در مونیخ زاده شد. در میان پیشینیان‌اش می‌توان پدربزرگ‌اش، بالدور فن شیراخ (۱۹۷۴-۱۹۰۷)، را یافت که رهبر «جوانان رایش» در دوران هیتلر بود و پس از دومین جنگ جهانی در دادگاه نورنبرگ محاکمه و به ۲۰ سال زندان محکوم شد. پیشینیان دیگر او را، اما، افرادی خوش‌نام تشکیل می‌دادند؛ از جمله میدلتون فن شیراخ که از امضاءکنندگان بیانیه‌ی استقلال آمریکا بود.

تحصیلات اش در رشته‌ی حقوق در بُن، که در آغاز تحصیلات او پایتخت آلمان غربی بود، سپری شد. دوران کارورزی اش را در کلن گذراند. در ۱۹۹۴ برای کار در رشته‌ی حقوق روانه‌ی برلین شد و تاکنون ساکن آن‌جاست. از میان مشاغل قضایی وکالت را برگزید و در گستره‌ی وکالت نیز گزینش‌اش امور کیفری بود. از ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۹ که تنها به وکالت می‌پرداخت یکی از نامدارترین وکلای مدافع آلمان شد و موکل‌هایی بسیار سرشناس داشت؛ از جمله تُرپرِت یورتسکو که نویسنده بود و چندسالی کارمند BND (اداره‌ی اطلاعات فدرال). یورتسکو اسراری از این سازمان را افشا کرد و مورد پیگرد قرار گرفت. فن شیراخ باورمندانه از او دفاع کرد. یکی دیگر از موکل‌های پرآوازه‌ی او گونتر شابو و سکی - از اعضای عالی‌رتبه‌ی دولت آلمان شرقی سابق - بود که در سقوط دیوار برلین نقشی نسبتاً مثبت داشت و با این حال محاکمه شد.

فن شیراخ سال ۲۰۰۹، در ۴۵ سالگی، نخستین کتاب خود، مجموعه داستان «تبهکاری» (Verbrechen) را انتشار داد و با این اثر یک‌شبه ره صدساله رفت. محتوای داستان‌های «تبهکاری» پرونده‌های زندگی و محاکمه‌ی موکلین خود اوست.

فن شیراخ جایی گفته است، به ادبیات دل‌بستگی ندارد، شماری از نویسندگان هم او را در جهان ادب غریبه می‌دانند. حال چه فن شیراخ به ادبیات دل‌بسته باشد یا نباشد؛ چه نویسندگان او را بیگانه بدانند یا خودی، این اثر ۵۴ هفته در لیست پرفروش‌ترین کتاب‌های هفته‌نامه‌ی اشپیگل جا خوش کرده بود. قرارداد ترجمه‌ی آن در همان سال انتشار با ۳۰ کشور امضا شد و باز در همان سال، سی‌دی کتاب با صدای بورکهارت کلاوسز (خواننده، بازیگر و کارگردان تئاتر) پخش شد.

در آگوست ۲۰۱۰ دومین اثرش «جرم» (Schuld) که باز حاصل پرونده‌های دفتر وکالت او در برلین است، در صدر کلیه‌ی کتاب‌ها در لیست آثار پرفروش اشپیگل قرار گرفت. سی‌دی این مجموعه داستان با صدای هنرمند پیشگفته انتشار یافت. بورکهارت کلاوسز برای این سی‌دی جایزه‌ی برترین فرد در